



یادداشت

پوشش وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری و وزارت بهداشت و درمان و دانشگاه آزاد اسلامی علاوه بر ارائه مقطع کارشناسی ارشد در سطح دکتری نیز دانشجو می پذیرند که در مقطع دکتری پژوهش های کتابداری از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و می توانند معضلات این حرفه و راه حل های آنها را به صورت روشن تری تبیین نمایند.

با بررسی چکیده پایان نامه های کتابداری و اطلاع رسانی که در سال ۱۳۷۹ توسط کتابخانه ملی منتشر شده است متوجه می شویم که از ۷۷۶ عنوان پایان نامه معرفی شده در این منبع تنها ۱۸ عنوان از پژوهش ها مربوط به **کتابخانه های عمومی** می باشد یعنی چیزی حدود ۲/۳ درصد از پایان نامه های دفاع شده در حوزه کتابداری مربوط به کتابخانه های عمومی هستند. چرا تعداد پژوهش های مرتبط با کتابخانه های عمومی تا این حد پایین است؟ آیا تعداد کتابخانه های عمومی در سطح کشور کمتر از بقیه انواع کتابخانه ها در سطح کشور است؟ آیا اهمیت

پس از شکل گیری هر رشته آکادمیک و استقرار فارغ التحصیلان و نیروی انسانی ماهر و حرفه ای در نهادهای ذیربط، انجام پژوهش های بنیادی، تجربی و پیمایشی برای توسعه و پیشرفت آن حوزه ضرورت می یابد. حوزه کتابداری به عنوان یک رشته آکادمیک، و حرفه ای فرهنگی و اجتماعی از این امر مستثنی نیست و همه ساله پژوهش های نسبتاً زیادی توسط نهادهای ذیربط طراحی و اجرا می شود. **پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری** در سطح کشور به عنوان یکی از اصلی ترین منابع پژوهشی در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. با توجه به اینکه در دهه گذشته تعداد دانشگاه ها و دانشکده هایی که در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو می پذیرند به نحو چشمگیری افزایش یافته است تعداد این نوع پایان نامه ها و در واقع پژوهش های کتابداری نیز افزایش می یابد. لازم به ذکر است که در حال حاضر دانشکده ها و گروه های کتابداری تحت



این نوع پژوهش‌ها کمتر از بقیه است" آیا تأثیرگذاری‌های فرهنگی و اجتماعی کتابخانه‌های عمومی کمتر از کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی است؟ و سؤال‌های مشابه دیگری که در این رابطه به ذهن متبادر می‌شود. در پاسخ به این نوع سؤال‌ها باید اذعان داشت که تعداد کتابخانه‌های عمومی در سطح کشور حدود ۱۴۰۰ باب است ولی تعداد کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی بیش از ۳۰۰ باب است. علاوه بر این تعداد مراجعان کتابخانه‌های عمومی و بهره‌گیری از آنها بسیار بیشتر از کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی است و با توجه به گستردگی و پوشش کشوری کتابخانه‌های عمومی تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی آنها بسیار بیشتر از دیگر انواع کتابخانه‌ها است. بنابراین چنین روندی را باید از ابعاد دیگری مدنظر قرار داد و راه‌کارهای مناسبی برای آن ارائه کرد.

با توجه به اینکه کتابخانه‌های عمومی از نظر ساختاری و ارگانیکی ارتباطی با دانشگاه‌ها و گروه‌های کتابداری ندارند به نظر می‌رسد که برقراری ارتباط بین کتابخانه‌های عمومی و دانشگاه‌ها می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد یعنی ارتباطی همانند ارتباط بین دانشگاه و صنعت. در این راستا موارد زیر را می‌توان پیشنهاد کرد:

- **هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور** به عنوان متولی کتابخانه‌های عمومی با برنامه‌ریزی سالانه و تهیه اولویت‌های پژوهشی (از قبیل نیازسنجی‌های جامعه)

استفاده‌کننده، بکارگیری فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی در کتابخانه‌های عمومی، تأثیر اینترنت بر کتابخانه‌های عمومی، بررسی میزان رضایت کاربران کتابخانه‌های عمومی، جامعه‌شناسی کاربران و غیره) سعی نماید تا در این زمینه نقش اساسی خود را ایفا نماید.

- با ارائه این پژوهش‌ها به گروه‌های کتابداری که در مقاطع کارشناسی‌ارشد و دکتری فعالیت دارند سعی نماید تا تعدادی از این پژوهش‌ها را انتخاب نموده و آنها را به صورت طرح‌های پژوهشی مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد.

- هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور می‌تواند با برقراری ارتباط با اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها سعی نماید تا پژوهش‌های مرتبط با کتابخانه‌های عمومی را توجیه نموده و تعداد این نوع پژوهش‌ها را افزایش دهد.

- برقراری چنین ارتباطی باعث می‌شود تا کتابخانه‌های عمومی و کارکنان آنها بتوانند از نزدیک با فرآیندهای پژوهشی در کتابخانه‌ها و کتابداری آشنا شده و بدین ترتیب توسعه کیفی نیروی انسانی در کتابخانه‌های عمومی نیز عملی شود. بدیهی است که تنها از طریق برقراری ارتباط بین هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور و دانشگاه‌هاست که می‌توان چنین پژوهش‌هایی را از نظر کمی و کیفی افزایش داده و نتایج آنها را برای بهره‌وری بیشتر از کتابخانه‌های عمومی بکار گرفت.

دکتر علی مزینانی